سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۸

# نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

شنبه ۸ دی ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



# اداره ورزش استان بوشهر، پیگیر حضور تماشاگران زن در ورزشگاه جم نیست!

عکس از ایرنا

# حل چالش کنسرت‌های لیان در کشور، بجز بوشهر!



## زنگ خطر ارزش‌آفرینی در صنعت پتروشیمی

حسین صداقت



## اره خود را تیز کنید

حسین زیرراهی



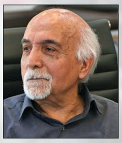
## بازار داغ کتاب‌های پردردسر در بوشهر

قاسم یاحسینی



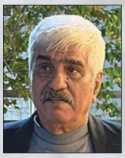
## پزشکی که در حرفه خود ایثارگر است

عبدالباقی صداقت



## برای ۲۰ میلیون لیتر بنزینی که هر روز گم می‌شود

حسین حشمتی



## جعفردرایی؛ روایتگر فیدوس‌های خاموش بندر بوشهر

جمیل رزمی



## از هنرمندان آن‌طور که باید حمایت نمی‌شود

مریم دست باز



## هنر قادر است آرامش را برایتان به ارمغان بیاورد

محمد اسماعیل مظفری



## مطاف؛ از برموداي ایران تا افتخار ایمنی دریانوردی

سید حسام مزارعی



## هوش مصنوعی و نویسندگی؛ گفتگویی ضروری

محمود حمزه ئیان



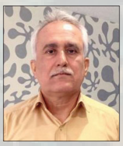
## مرغ دل باز هوادارِ کمان‌ابرویست

شاهین بهرام نژاد



## باید مردم را به خواندن تاریخ فراخواند

دکتر محمود دهقانی



## راه مبارزه با فساد، از مسیر آزادی بیان می‌گذرد

دکتر امان الله شجاعی



## وقت آن رسیده که نگاه ملی به بوشهر تغییر کند

ولید صفری

استاندار بوشهر:

## تغییرات مدیریتی دمیدن روح تازه برای انجام ماموریت‌ها است




استاندار بوشهر با قدردانی از تلاش‌های انجام شده توسط معاونان پیشین استاندار افزود: تغییرات جدید بیانگر دمیده شدن روح تازه‌ای از مسئولیت‌پذیری برای انجام صحیح ماموریت‌های محوله است.

به گزارش ایرنا، ارسلان زارع در نشست شورای اداری استان بوشهر افزود: خدمت به مردم قدرشناس ایران اسلامی و استان سرافراز بوشهر، فرصتی مغتنم برای همه مسئولان است تا با تلاش و کوشش برای رفع مشکلات و گشودن گره‌های پیش‌رو در جهت منافع مردم، قدردان این فرصت باشند و همه همت خود را برای ارائه خدمت به مردم، آن‌گونه که در شأن آنان است، به کار گیرند.

وی یادآور شد: استفاده از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها برای رفع کاستی‌ها و نواقص در استان بوشهر را در دستور کار دارم و توصیه اکیدم به مدیران این است که در سایه هم‌افزایی، تعامل و همکاری، می‌توانیم بوشهر را به جایگاه شایسته آن برسانیم.

استاندار بوشهر ادامه داد: بنا به تاکید رییس‌جمهوری و وزیر کشور؛ ایجاد فرصت برابر، برداشتن موانع از پیش روی سرمایه‌گذاران، ایجاد تسهیلات، همراهی بخش خصوصی و دولتی، نمایندگان و فعالان اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های موجود ازجمله مهمترین مولفه‌های توسعه و پیشرفت هستند که انتظار دارم به طور جدی در دستور کار مدیران باشد.

استاندار بوشهر گفت: اطمینان‌بخشی به مردم و رفتار و گفتار صادقانه با آن‌ها، زمینه‌ساز همراهی جامعه با مسئولان است و این اعتماد و همراهی، بزرگترین سرمایه کارگزاران دولت چهاردهم است که تأکید دارم این رویکرد، سرلوحه فعالیت مسئولان در بوشهر باشد.

در این آیین، احسان جهانیان، شاپور رجایی و رسول رستمی به ترتیب به عنوان معاونان سیاسی امنیتی و اجتماعی ، هماهنگی امور عمرانی، اقتصادی استاندار بوشهر معرفی و از خدمات اکبر پورات ، محمدهادی رستمیان و علی باستین در مسوولیت‌های سابق قدردانی شد.

## هفدهمین محکوم به قصاص نفس در بوشهر رهایی یافت

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: بخشش قاتل دشتستانی توسط اولیای دم منجر به رهایی هفدهمین محکوم به قصاص نفس درسال جاری در این استان شد.

به گزارش ایرنا، مهدی مهر انگیز در جمع خبرنگاران افزود: این زندانی پس از ده سال تحمل حبس با رضایت اولیای دم در زندان دشتستان از قصاص نفس رهایی یافت.

وی تصریح کرد: این زندانی که مرتکب قتل عمد شده بود با همکاری و مساعدت مسئولان قضائی، کمیته صلح و سازش شورای حل اختلاف زندان ، صلح یاران و معتمدان محلی شهرستان دشتستان و نیک اندیشی اولیای دم در یادمان شهدای گمنام شهر برازجان به حرمت و عظمت شهیدان مورد عفو و بخشش قرار گرفت و به آغوش خانواده بازگشت.

مهرانگیز ضمن تشکر از اولیای دم و همت معتمدان صلح یاران و مسئولان قضائی که در این راه تلاش می‌کنند، گفت: تاکنون ۲۰ شعبه دادگاه‌های صلح در شهرستان‌های استان بوشهر راه‌اندازی شده است.

وی یادآور شد: در استان بوشهر تعداد هشت حوزه قضائی نیز در بخش‌ها نیز به پرونده‌های صلح رسیدگی می‌شود که با احتساب این شعبات تعداد ۲۸ شعبه صلاحیت رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها را دارند.

## وعده راه‌اندازی درمانگاه تخصصی نفت در بوشهر

نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس گفت: درمانگاه تخصصی شرکت نفت در بوشهر احداث می‌شود.

جعفر پورکبگانی در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: باتوجه به وجود ۸۰ بیمارستان در شیراز و کلنگ زنی بیمارستان نفت دراین شهر توسط وزیر سابق نفت با مذاکراتی که با وزیر نفت دولت چهاردهم به عمل آمد ۷ پروژه از محل مسئولیت های اجتماعی نفت از جمله احداث درمانگاه تخصصی نفت در این استان انجام می‌شود.

وی اضافه کرد: اعضای هیات مدیره منطقه آزاد بوشهر هم بعد از نزدیک به ۴ سال در دهه فجر امسال مشخص می شود و به صورت رسمی آغاز به کار می کند.

وی از اختصاص اعتبار ۳۰۰ میلیارد تومانی برای احداث پلاژ بانوان در بنادر گناوه و دیلم خبرداد و گفت: از محل اعتبارات خاص نمایندگان مجلس در سال جاری حدود ۳ میلیارد به پرستاران استان و ۲.۵ میلیارد تومان هم به کتابخانه های عمومی استان کمک شده است.

وی از اختصاص ۸ همت به آموزش و پرورش استان از محل ۶ پتروشیمی پترو فرهنگ وزارت آموزش و پرورش در سال های آینده خبرداد و افزود: با ایجاد ساز و کارهای جدید در صندوق ذخیره فرهنگیان این کار محقق می شود.

وی افزود: استقلال برق منطقه‌ای بوشهر از شیراز از دیگر اقدامات در مدت ۶ ماه گذشته بوده است./ ایسنا

## بی‌تفاوتی شهرداری به مشکل ترافیک بازار بوشهر

مهدی جهانبخشان



با گشتی در مرکز شهر بوشهر متوجه می‌شوید که شهر خلوت و مغازه‌داران از این وضعیت چندان راضی نیستند.

علت را که جویا می‌شوید، کسبه لب به شکایت می‌گشایند و ابراز می‌دارند که علاوه بر خالی بودن جیب مردم برای خرید کالا در هر رده صنفی، دلیل برجسته دیگر نبودن پارک خودرو در مرکز شهر بوشهر و استقرار اتومبیل شهروند و بعد گشت‌زدن در بازار برای خرید کالاست.

این وضع تاکی ادامه خواهد یافت؟ کسی پاسخگو نیست.

شهرداری بوشهر که متولی این امر است انگار خود را کنار کشیده و نسبت به موضوع بی‌تفاوتی را پیشه کرده است.

شخصی می‌گفت برای خرید به مرکز شهر می‌آیم برای پارک خودرو، دوری می‌زنم و چون جایی پیدا نمی‌کنم مجددا به محل زندگی خود برمی‌گردم.

وعده‌های ایجاد پارکینگ طبقاتی هم که از زبان چند شهردار پیشین شنیده‌ایم هیچ‌کدام عملی نشد و یک فقره پارکینگ کنار مسجد جامع، عملا سال‌هاست خاک می‌خورد و هرگز افتتاح نشده است.

شهرداری نباید مرکز شهر را به‌حال خود رها کند. مسئولین امر با توجه به تعهدی که دارند باید از این رخوت و بی‌تفاوتی به‌در شوند. اگر از کسبه عوارض شهرداری و مالیات دارایی می‌گیرید، لازم است که موانع رونق بازار را هم رفع کنید.

## معارفه رئیس جدید دانشگاه پیام نور استان بوشهر



معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور گفت: توسعه‌یافتگی در کشور محقق نمی شود مگر آنکه انسان‌هایی توسعه‌یافته داشته باشیم و این مهم نیز تنها از مسیر آموزش مناسب شکل می گیرد.

سعید مظلومیان درآئین تکریم و معارفه رئیس جدید دانشگاه پیانور استان بوشهر اظهار کرد: مشکلات کشور در بسیاری از حوزه‌ها ناشی از کمبود آموزش‌های موثر و باکیفیت است.

در این آئین محمد رضا بحرانی به عنوان رئیس دانشگاه پیام نور استان بوشهر معرفی و از خدمات محمد چمکوری در این جایگاه قدردانی شد.

# زنگ خطر ارزش‌آفرینی در صنعت پتروشیمی

**حسین صداقت** / تحلیلگر صنعت پتروشیمی



صنعت پتروشیمی ایران سال‌هاست که به نماد ظرفیت‌های بزرگ و بهره‌برداری کوچک تبدیل شده است. این صنعت که یکی از ارکان حیاتی اقتصاد کشور است، با ارزآوری سالانه ۱۵ میلیارد دلار، نقش پررنگی در تامین نیازهای ارزی ایفا می‌کند. اما آن چه صنعت پتروشیمی ایران را به چالش کشیده، شکاف عمیق میان ظرفیت‌های موجود و ارزش‌آفرینی واقعی آن است. آمارها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تاکنون، تولید محصولات پتروشیمی ایران از ۴۳ میلیون تن به ۷۲ میلیون تن در سال افزایش یافته است و به لحاظ حجم تولید جایگاه قابل قبولی در دنیا برای صنعت پتروشیمی ایران به دست آمده است به طوری که در برخی محصولات مثل متانول، اوره و آمونیاک جزو تولیدکنندگان و صادرکنندگان بزرگ دنیاست، اما ارزش فروش این محصولات همچنان ثابت مانده و تغییری در درآمد ارزی ایجاد نشده است. ۷۲ میلیون تن تولید در سال، اما تنها ۱۵ میلیارد دلار درآمد؛ عددی که بیشتر از یک واقعیت، یک زنگ خطر است.

زنگ خطر ارزش‌آفرینی در صنعت پتروشیمی

این مساله علاوه بر بحران‌های مدیریتی، تحریم‌ها و وعده‌های ناتمام سیاسی، ناشی از تمرکز بیش از حد بر افزایش تناژ تولید به جای توسعه زنجیره ارزش است که همگی دست به دست هم داده‌اند تا پتروشیمی ایران از جایگاه شایسته خود در اقتصاد جهانی فاصله بگیرد. خام‌فروشی محصولات و تولید مواد اولیه به جای محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا، یکی از دلایل اصلی محدود شدن درآمد این صنعت است. در حالی که رقبای ما در صنعت پتروشیمی از طریق توسعه صنایع پایین‌دستی و عرضه محصولات پیچیده با ارزش افزوده بالا، ارزش‌آفرینی چند برابری را تجربه می‌کنند، پتروشیمی ایران در دام رویکرد سنتی به توسعه صنعت و تولید مواد اولیه گرفتار است و هنوز متانول و اتیلن صادر می‌کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل ناکامی در تحقق ظرفیت‌های صنعت پتروشیمی، نبود یک برنامه جامع و استراتژیک برای توسعه و تکمیل زنجیره ارزش است. برنامه‌ریزی‌ها در این صنعت اغلب کوتاه‌مدت و پراکنده بوده و به جای تمرکز بر توسعه پایدار، بر افزایش تولیدات اولیه متمرکز شده است. این وضعیت باعث شده است تا زیرساخت‌های لازم برای صنایع پایین‌دستی و توسعه زنجیره ارزش ایجاد نشود.

در کشورهای پیشرو، وجود یک نقشه راه جامع، توسعه صنعت پتروشیمی را به سمت تولید محصولات با ارزش افزوده بالا هدایت کرده است. در ایران، نبود چنین حاکمیتی، علاوه بر کاهش بهره‌وری، موجب هدررفت منابع و محدود شدن توان رقابتی در بازارهای جهانی شده است.

خصوصی‌سازی نیز که زمانی به عنوان راه‌حل بسیاری از مشکلات معرفی می‌شد، در عمل محقق نشده و نتوانسته مسیر این صنعت را اصلاح کند. واگذاری شرکت‌های پتروشیمی به صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای غیرمتخصص، نه تنها مشکل را حل نکرد و بهره‌وری را افزایش نداده، بلکه به تضعیف مدیریت و کاهش نظارت موثر منجر شده و مشکلات جدیدی به صنعت اضافه کرده است. این موضوع باعث شده که بسیاری از این شرکت‌ها بدون چشم‌انداز روشن و برنامه استراتژیک فعالیت کنند.

یکی دیگر از چالش‌های جدی این صنعت، تعدد طرح‌های نیمه‌تمام است. پروژه‌هایی که بدون تضمین تامین خوراک و بازار فروش آغاز شده‌اند، منابع مالی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که بهره‌وری سرمایه را کاهش داده‌اند. این پروژه‌ها نه تنها بار مالی سنگینی به دوش اقتصاد گذاشته‌اند، بلکه ظرفیت‌های موجود را نیز به هدر داده‌اند.

تحریم‌های بین‌المللی نیز، نه تنها بر صادرات محصولات پتروشیمی اثر گذاشته‌اند، بلکه توسعه این صنعت را نیز محدود کرده‌اند. مشکلاتی مانند دسترسی محدود به فناوری‌های پیشرفته، افزایش هزینه‌های صادرات و کاهش توان رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی، از جمله نتایج مستقیم تحریم‌ها هستند. ایران به دلیل نبود سرمایه‌گذاری کافی در زنجیره ارزش و تحریم‌های شدید بانکی، به خام‌فروشی محصولات اولیه متکی شده است. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای، با استفاده از فناوری‌های مدرن و توسعه صنایع پایین‌دستی، به تولید محصولات نهایی و ارزش افزوده بالاتر پرداخته‌اند.

علاوه بر این، این صنعت در میان مداخلات سیاسی گرفتار شده است. ورود سیاسیون به صنعت پتروشیمی و اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها، توسعه این صنعت را کند کرده است. وعده‌های انتخاباتی و تصمیمات جناحی، بدون در نظر گرفتن الزامات تخصصی و اقتصادی، به ایجاد پدیده‌ای به نام «پتروو‌عده‌ها» منجر شده است؛ وعده‌هایی که نه‌تنها عملی نمی‌شوند، بلکه مسیر توسعه صنعت را نیز مسدود می‌کنند.

اما آیا امیدی است؟ بله، اگر زاویه دیدمان را تغییر دهیم. برای عبور از این چالش‌ها و دستیابی به جایگاه واقعی پتروشیمی در اقتصاد کشور، اصلاحات عمیقی لازم است. اولین گام، تمرکز بر زنجیره ارزش و توسعه صنایع پایین‌دستی و تدوین نقشه راه جامع برای توسعه زنجیره ارزش است. تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا می‌تواند درآمد ارزی کشور را چند برابر کند و وابستگی به خام‌فروشی را کاهش دهد. دومین اقدام، بازنگری در فرآیند خصوصی‌سازی و واگذاری این صنعت به بخش‌های متخصص و توانمند است. اصلاح ساختار مالکیتی و شفافیت در مدیریت، می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌وری بیشتر شود.

علاوه بر این، تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام بر اساس اولویت‌های اقتصادی، تقویت تحقیق و توسعه (R&D) و حذف مداخلات سیاسی در انتصاب مدیران، از دیگر گام‌های ضروری است. صنعت پتروشیمی ایران اگرچه با چالش‌های زیادی روبه‌روست، اما با اصلاح مسیر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های واقعی، می‌تواند به یکی از موتورهای پیشران اقتصاد کشور تبدیل شود. اما این موتور نیاز به سوخت تازه دارد؛ سوختی از جنس شفافیت، تخصص و نگاه بلندمدت. سیاستگذاران باید تصمیم بگیرند که می‌خواهند با این ظرفیت چه کنند: آن را خاموش کنند یا روشن؟

اکنون زمان آن رسیده که این صنعت از دام خام‌فروشی رهایی یابد و با نگاه به آینده، در مسیر خلق ارزش و توسعه پایدار گام بردارد. شاید وقت آن رسیده باشد که پتروشیمی ایران نه فقط به عنوان تولیدکننده مواد اولیه، بلکه به عنوان یکی از بازیگران اصلی زنجیره ارزش جهانی شناخته شود.

---

## زندگی آگاهانه

# ارّه خود را تیز کنید

**حسین زیرراهی**- مدرس مهارتهای توسعه فردی



جمله‌ای منتسب به آبراهام لینکلن رییس‌جمهور قرن نوزدهم آمریکا وجود دارد که می‌گوید اگر من یک ساعت برای بریدن درختی وقت داشته باشم پنجاه و پنج دقیقه آن را صرف تیز کردن تبرم می‌کنم. استیون کاوی در کتاب هفت عادت مردمان موثر هم هفتمین عادت را به تیز کردن ارّه اختصاص داده است. به‌صورت خلاصه تیز کردن اره یعنی آمادگی شخصی برای کار و زندگی. این آمادگی شامل هر چیزی مانند دانش، مهارت، آمادگی ذهنی، بدنی و خلاصه زاد و توشه درونی که یک نفر برای انجام یک کار یا زندگی نیاز دارد می‌شود. این‌که ما تصمیم داشته باشیم برای موقعیت شغلی پیش روی‌مان آماده شویم امری طبیعی است. یا بخواهیم کسب و کاری راه بیاندازیم طبعا به دنبال یادگیری دانش و مهارت‌های آن می‌رویم. ولی مقصود ما از تیز کردن اره بیشتر این است که حتی اگر موقعیت کاری خاصی هم در آینده نزدیک وجود نداشته باشد فرایند یادگیری و آماده شدن تعطیل نشود. فرض کنید شما در حال حاضر شغلی دارید که رضایت نسبی هم از آن دارید. ولی حتی بدون این‌که شغل خاصی مد نظرتان باشد بر اساس علاقه خود اقدام به یادگیری دانش یا مهارت‌هایی می‌کنید.

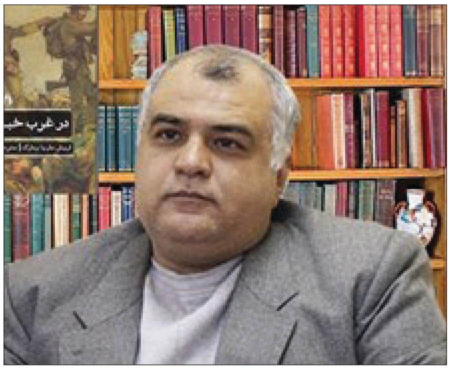
بگذارید با مثالی مساله را روشن کنم. در حال حاضر یکی از موضوعات داغ دنیای مجازی بحث هوش مصنوعی است. انقلابی بزرگ در دنیای مجازی که احتمالا آینده این صنعت را از آن خود خواهد کرد. هم اکنون مشاغل زیادی بر اساس هوش مصنوعی ابداع یا تغییر کرده است. ولی شاید هنوز یک درصد از استفاده‌های آن مشخص نشده باشد. هیچ‌کس نمی‌داند چه مشاغل جدیدی از طریق آن ظهور خواهد کرد. حال اگر شما در اوقات بیکاری خود به یادگیری کار با هوش مصنوعی بپردازید شاید خودتان هم ندانید قرار است با استفاده از آن در آینده چه کاری انجام دهید. ولی شما در حال تیز کردن ارّه خود هستید و ممکن است بعدا فرصتی شغلی برایتان پیش بیاید که حتی فکرش را هم نمی‌کنید. همین موضوع در مورد یادگیری مهارت‌های توسعه فردی هم صدق می‌کند. در الزامات هیچ شغلی نیامده است که متقاضی باید آموزش‌های رشد فردی دیده باشد. ولی هر شغلی داشته باشید این مهارت‌ها باعث پیشرفت شما می‌شود.

در چه زمینه‌هایی اره خود را تیز کنیم؟ نکته مهم این است که حتی بی‌خاصیت‌ترین دانش یا مهارت‌ها هم از هیچ کاری نکردن بهتر است. چیزی که متاسفانه امروزه شاهد هستیم اغلب جوانان ساعت‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، دورهمی‌های بی‌پایان و تماشای تلویزیون می‌گذرانند ولی آموزشی نمی‌بینند. منطق این است که اولویت اول یادگیری در زمینه کاری که انجام می‌دهیم باشد. بیشتر آدمها سال‌ها به حرفه‌ای مشغولند و صرفا به تجربیات حین کار اکتفا می‌کنند. نه دوره‌ای آموزشی، نه کارگاهی، نه کتابی، و نه هیچ چیزی. مشکل یادگیری از طریق تجربه این است که دیر بدست می‌آید یا حتی ممکن است با بعضی از آنها برخورد هم نکنیم. اولویت بعدی یادیگری بر اساس علایق است. حتی اگر برای علاقه شما فرصت شغلی یا درآمدی هم وجود نداشته باشد مهم نیست. شما یاد بگیر موقعیت خودش جور می‌شود. معیار سوم هم یادگیری در زمینه‌های جدید است. مانند همان هوش مصنوعی که مثال زدیم. این‌ها ظرفیت‌های بزرگی در آینده خواهند داشت.

# بازار داغ کتاب‌های پردردسر در بوشهر

سید قاسم یاحسینی

پیشکش به پژوهشگر ارجمند استاد محمدحسین خسروپناه



چندین سال پیش، شادروان ایرج افشار، پس از فوت فرزندش بابک، تصمیم گرفت به جای هزینهٔ مجلس بزرگداشت و فاتحه، کتابی درباره تاریخ کتابفروشی‌های تهران و دیگر شهرهای ایران بنویسد. به همین خاطر نیز نامه مانندی برای دوستان و آشنایانی که در کل شهرهای ایران داشت نوشت و ارسال کرد و از آنان خواست تا مقالات کوتاهی درباره تاریخ و نام کتابفروشی‌های شهرشان بنویسند و برایش ارسال کنند. آن نامه برای من هم آمد، اما آن روزها، من گرفتار یک کار شخصی بودم و افتخار نوشتن چنین تاریخ و مقاله‌ای پیدا نکردم. چندی بعد جلد اول کتاب با عنوان «کتابفروشی» چاپ و منتشر شد که مورد استقبال نیز قرار گرفت. کتاب جلد دومی هم داشت که پس از درگذشت این پژوهشگر و ایرانشناس بزرگ چاپ و منتشر شد. از همان زمان تا امروز، یکی از موضوعاتی که ذهن مرا به خود مشغول کرده، تاریخ و نام کتابفروشی‌های بوشهر از دوران زندیه، قاجار و پهلوی اول و دوم و همچنین دوران جمهوری اسلامی بوده است.

یکی از زیرمجموعه‌های آن مقاله/تحقیق، که البته تا امروز مجال نگارش پیدا نکرده، تاریخ و نام کتابفروشی‌های چپ مارکسیستی در بندر بوشهر می‌باشد. موضوعی که علیرغم گذشت حدود هفتاد، هشتاد سال از آن، همچنان بکر و روایت ناشده باقی مانده است.

سال‌ها پیش و هنگامی که مشغول تحقیق برای نگارش کتاب «تاریخ تکاپوهای چپ مارکسیستی در بوشهر» بودم، از هرکدام از هواداران حزب توده که موفق به مصاحبه با آنان شدم، درباره نام کتابفروشی حزب در بوشهر و طریق دریافت نشریات و آثار حزب توده و توزیع آن در بوشهر جویا شدم، مطلب درست و درمانی دستم نگرفت و تا امروز هم نمی‌دانم آیا این حزب چپ و مارکسیست در بوشهر کتابفروشی مستقلی داشته یا نداشته است. (اگر فردی در این باره اطلاعات موثقی دارد، لطفاً مرا آگاه کند تا اگر مایل است به نام خودش در کتابم بگنجانم).

من متولد خرداد ۱۳۴۴ هستم؛ بنابر این در ماه‌های انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نوجوانی ۱۳ ساله بودم. چون از پیش از انقلاب به کتاب و مطالعه علاقه داشتم، به عنوان یک نوجوان کنجکاو، چیزهایی از فروش آثار مارکسیستی و چپ در بوشهر را شاهد بودم که به عنوان روایت خام و نه چندان کامل یک نوجوان شهرستانی و در قالب خاطرات شخصی، برای ثبت در تاریخ می‌نگارم و امیدوارم دوستان هم سن و سال من و بزرگ‌تر از من نیز همّت کنند و این داده‌های نه چندان کامل را تکمیل کنند.

در فاصله ماه‌های شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ که شعله‌های «انقلاب» در بوشهر افزوخته شد، فروش کتاب‌هایی که بعدها به «جلد سفید» موسوم شد، شروع شد. نه تنها در شهرهای بوشهر و برازجان، که حتی در دیگر مناطق استان مثل گناوه، دیلم و دیر و کنگان. روش کار هم چنین بود که برخی از جوانان علاقمند به سقوط رژیم شاه، مبلغی پول گردآوری کرده، به تهران، قم یا شیراز رفته، تعداد معدودی کتاب را خریده و به بوشهر یا دیگر شهرهای استان بوشهر آورده و با تخفیف بین ده تا بیست درصد به فروش می‌رساندند. اگر جوانان مذهبی بودند، کتاب‌ها را در داخل یا کنار مساجد و مراکز مذهبی و بعضاً در پیاده‌رو خیابان‌های اصلی شهر می‌فروختند. کتاب‌های سازمان مجاهدین خلق نیز توسط همین جوانان مذهبی به این طریق فروش می‌رفت. در برخی از شهرهای بوشهر نیز در کنار راهپیمایی‌ها، گاهی اوقات «نمایشگاه کتاب» برپا می‌شد. در این میان برخی از کتابفروشی‌ها، در شهرهای مختلف استان نیز اقدام به وارد کردن انواع کتاب‌های مذهبی و مارکسیستی کرده و می‌فروختند. مثلاً در برازجان، مرحوم ماشاالله کازرونی، که دو مغازهٔ کتابفروشی در بازار سنتی و دیگری در خیابان روبروی دبیرستان فردوسی داشت، چنین آثاری را با تیراژ بسیار بالا به فروش می‌رساند. من خاطرات آن مرحوم در این باره را در کتاب خاطراتش آورده‌ام.

در بوشهر نیز در جاهایی چون مسجد عطار، مسجد سیدها (شهید عاشوری بعدی)، مسجد قرآن، مسجد امیرالمؤمنین و... چنین کتاب‌هایی بساط شده و به فروش می‌رسید.

اما آثار مارکسیستی نیز فروش خوبی داشت. جوانان مارکسیست، که البته چیز چندانی هم از مارکسیسم و مارکس نمی‌دانستند، در جای جای شهر بوشهر، اقدام به بساط کردن کتاب کرده و چنین آثاری را به فروش می‌رساندند. این روند تا روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کم و بیش ادامه پیدا کرد.

با پیروزی انقلاب و به خصوص از نیمه اول سال ۱۳۵۸، فروش آثار مارکسیستی در بوشهر، شتاب خاصی گرفت. در بوشهر عمده‌ترین سازمان‌ها و گروه‌های چپ مارکسیستی که فعّال بودند عبارت بودند از: «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران»، که هنوز به اکثریت و اقلیت منشعب نشده بودند، «حزب توده ایران»، «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» و بعدها گروه‌هایی چون «پیشگام»، «راه کارگر»، «اتحادیه کمونیست‌ها» و...

تا آن‌جا که به یاد دارم، فعّال‌ترین مارکسیست‌های بوشهری، هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند. هوادارهای آنان، اغلب هم مردها و معدودی دختر، همچنان کنار خیابان‌های سنگی(امام خمینی)، ششم بهمن(انقلاب)، شاهپور(لیان) و فرودگاه بساط راه انداخته و کتاب و نشریه می‌فروختند. مهم‌ترین مرکز فروش کتاب، بیشتر هم عصرها، حوالی میدان دروازه(انقلاب) بود.

با افزایش حضور گروه‌های فشار و لباس شخصی، روز به روز فروش آثار مارکسیستی در کنار خیابان‌ها در بوشهر دشوار و دشوارتر می‌شد. گروه‌های آتش به اختیار فشار، به چنین دست فروشی‌هایی حمله کرده و کار با پاره کردن آن آثار و کتک زدن فروشنده، پایان می‌یافت. من خودم بارها شاهد چنین درگیری و حملاتی بودم. یکی از آن صحنه‌ها را، در مقدمهٔ یکی از آثارم روایت کرده‌ام.

هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق، در قالب «نمایشگاه کتاب» در مدارس نیز اقدام به فروش آثار خود می‌کردند. یکی از مشهورترین و پُرحادثه‌ترین این نمایشگاه‌ها، در دبیرستان صدیقهٔ رضایی، شاهدخت قبلی و فاطمه زهرای بعدی، بود. من خودم به این نمایشگاه رفتم و خوب یادم هست رمان «مادر» نوشتهٔ ماکسیم گورکی را از همین نمایشگاه، با تخفیف ویژه، خریدم. برپاکنندگان نمایشگاه، در دبیرستان به جای پرچم ایران، پرچم سرخ برافراشته بودند. از بلندگو هم برخی از ترانه‌های نوار کاست «آفتابکاران»، مثل «سراومد زمستون» و «یه جنگل ستاره داره» و... پخش می‌شد. اغلب فروشندگان نیز دخترهای بی‌حجاب دبیرستانی بودند. به همین بهانه نیز، گروه‌های فشار، به نمایشگاه حمله کرده و اگر خوب یادم مانده باشد، کتاب‌ها و نشریات را پاره کرده یا به آتش کشیدند و نمایشگاه را به زور تعطیل کردند.

تعداد قابل توجهی از هواداران سازمان‌های مارکسیستی در بوشهر را دانش‌آموزهای دوره‌های راهنمایی و خصوصاً دبیرستانی تشکیل می‌دادند. طبیعی است که مدارس نیز محل فروش نشریات و آثار مارکسیستی بوده باشد. من آن موقع دانش‌آموز دبیرستان دکتر مصدق(نواب صفوی بعدی) در خیابان صفوی بودم. از نزدیک شاهد بودم که دانش‌آموزان هوادار سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیستی، نشریات و برخی از آثار را به مدرسه آورده و مجانی یا پولی، میان دانش‌آموزها پخش و توزیع می‌کردند. در دبیرستان سعادت بوشهر، دکتر شریعتی و صدیقه رضایی این بندر نیز چنین وضعی برقرار بود. خوب یادم هست در همان سال ۱۳۵۸ گروه‌های چپ مارکسیستی نمایشگاه کتابی در جنب هنرستان حاج جاسم بوشهر برپا کردند. من از آن نمایشگاه، چند کتاب مارکسیستی، از جمله دو عنوان کتاب تاریخ ایران برای نوجوانان، خریدم. من هیچ وقت مارکسیست نبودم، اما روی کنجکاوی شخصی، علاقه شدیدی به مطالعهٔ آثار مارکسیستی داشتم و با ولع چنین کتاب‌هایی را خریده و یا از هواداران آنان هدیه گرفته و می‌خواندم.

تا آن‌جا که یادم هست، مارکسیست‌ها در شهر بوشهر، چند کتابفروشی نیز داشتند. یکی از این کتابفروشی‌ها، در خیابان فعلی صفوی کمی بالاتر از کتابفروشی هلالبر و سر نبش بود. من از این کتابفروشی چند عنوان کتاب

از علی اشرف درویشیان، از جمله «آبشوران» و «ابر سیاه هزار چشم» را خریدم. همچنین جزوهٔ «نقش کار در تکامل انسان» نوشتهٔ فردریش انگلس را از همین کتابفروشی خریدم. این مکان بعدها، پس از هجوم گروه‌های فشار و تعطیل شدن، به قهوه‌خانه تبدیل شد. من هر وقت جلو این مغازه رد می‌شوم، ناخودآگاه خاطرات آن سال‌ها در ذهنم تداعی می‌شوند.

دفتر حزب توده ایران در خیابان ششم بهمن(انقلاب) و روبروی پاساژ کویتی‌ها بود. نشریه "مردم" و آثار مربوط به انتشارات این حزب نیز در همین مکان به فروش می رسید. من دوره تجدید چاپ شده «دنیا» به سردبیری دکتر تقی ارانی، که در عصر رضاشاه پهلوی منتشر شده بود و برخی از جزوات «پرسش و پاسخ» نورالدین کیانوری را از این مکان خریدم.

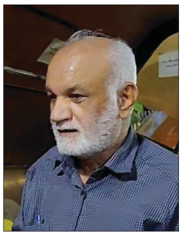
در سال ۱۳۵۸ در نبش خیابان دهقان، نمایشگاه عکس و کتاب توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران یا حزب توده، درست یادم نمانده، برپا شد. یک نمایشگاه کتاب مارکسیستی هم در محل سابق قرائت خانه، روبروی دبستان دخترانه فعلی ۱۳ آبان، برپا شد، که من از این دو نمایشگاه نیز دیدن کرده و چند کتاب خریدم. الان به یاد ندارم که سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اتحادیه کمونیست‌ها، گروه پیشگام، راه کارگر، و... نیز در شهر بوشهر کتابفروشی مستقل داشتند یا نه. واقعیت این بود که کتابفروشی‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق و حزب توده، در ذهن من مانده و شاید دیگر گروه‌های چپ و مارکسیستی هم چنین مکان‌های مستقل و کتابفروشی داشته بودند که من خبر از آن‌ها ندارم.

اگرچه از همان روزهای قبل از پیروزی انقلاب، افراد و گروه‌های فشار مذهبی، تحمل دگراندیشان و چپ‌ها را در بوشهر نداشتند و من خودم بارها شاهد زد و خوردهای چندی میان آنان بودم، اما از نیمهٔ دوم سال ۱۳۵۹ چنین فشارهایی به تدریج و روز به روز بیشتر و بیشتر شد. به دنبال اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق ایران، فضای سیاسی و فرهنگی ایران جهش‌وار به طرف خشونت و تک صدایی رفت و شد، آن‌چه که شد. از اواخر بهار سال ۱۳۶۰ دیگر عملاً سازمان‌های مارکسیستی در بوشهر نمی‌توانستند کتابفروشی داشته باشند، زیرا «عصر دیگری» فرا رسیده و سیاست را کشتی بان دگر آمده بود.

نزدیک پنجاه سال از آن روزها گذشته است. اغلب آن جوانان، الان در سنین شصت، هفتاد سالگی هستند. برخی از آنان اعدام شدند، برخی به زندان رفتند، برخی مهاجرت کردند و برخی نیز دیگر حتی مارکسیست نیستند. به عنوان یک مورخ محلی بوشهر و علاقمند به تاریخ روشنفکری شهر و دیارم، از همهٔ کسانی که خاطرات و یادمانده‌هایی از آن سال‌های شیرین و تلخ دارند، تقاضا دارم برای ثبت در تاریخ، خاطرات خودشان را بنویسند و به یادگار بگذارند. تاریخ انسان، تاریخ انباشت تجربه است. اما ما ایرانیان به مصداق «هرکس آمد عمارتی نو ساخت»، چندان مایل به ثبت و ضبط تجربیات زندگی خود نیستیم و ناچاریم هر بار، از صفر شروع کرده و باز سرنوشت رقم خورده و سپری شده نسل پیشین را از نو با جان و زندگی خودمان، تکرار کنیم. به گفته رودکی: هر که نآموخت از گذشت روزگار / نیز نآموزد ز هیچ آموزگار...

# پزشکی که در حرفه خود ایثارگر است

**عبدالباقی صداقت**



همان‌طور که همه شهروندان و هم استانی های عزیز استحضار دارند، امروزه هر فردی در هر شغل و حرفه ای که می‌باشد از تخصص خود برای امرار معاش زندگی، تلاش می کند و روز به روز به اندوخته‌های خود می افزاید حال اگر این شغل پزشکی باشد می‌توان گفت درآمد زیادی در انتظار او خواهد بود و اگر کسی از این درآمد سرشار گذشت کند و مردم را بصورت رایگان معالجه کند، نامش را چیزی غیر از ایثار نمی توان گذاشت. البته این روش و سیره خیلی کمیاب و حتی نایاب است.

اما دکتر شفیعی به این درجه از ایثار رسیده، آن هم نه در امر ویزیت طبابت بلکه در انجام جراحی های پیچیده قلب که مبالغ هنگفتی باید صرف شود.



دکتر شفیعی پزشکی حاذق و پرفسوری بزرگ می‌باشد، جامعه پزشکی کشور و حتی جهانی باید این روش دکتر شفیعی را در جهت کمک به همنوعان خود بعنوان الگو، مدل و سرمشق خود قرار داده و بعنوان یک حرکت مردمی در جامعه پزشکی رواج دهند.

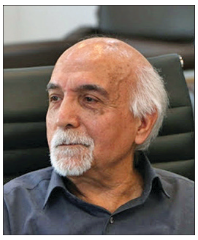
دکتر شفیعی نمونه بارزی برای تفسیر این شعر پارسی است که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

در مقطع کنونی جامعه ما نیاز به چنین ایثارگرانی در راس امور مملکت دارد و باید از این افراد فرهیخته و فداکار در بدنه مسئولیتی استفاده گردد تا نتیجه آن به نفع مردم جامعه علی‌الخصوص مردم بی بضاعت و مستمند گردد.

# برای ۲۰ میلیون لیتر بنزینی که هر روز گم می‌شود

**حسین حشمتی**



در این سرمای نسبتاً سخت امسال (به ویژه در استان‌های سردسیر) به ادعای رسانه‌های کثیرالانتشار و برخط، ناترازی سوخت و منابع گریبان‌گیر کشور شده است. رئیس جمهور فرهمند و فرهیخته کشورمان خبر از گم شدن روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین داده است!

ناترازی پرتکرارترین واژه‌ای است که در این روزها مورد استفاده سران کشور قرار می‌گیرد. این نامیزانی که با قطعی برنامه‌ریزی شده برق و تعطیلی چندین روزه بخش عمومی با هدف صرفه‌جویی در مصرف انرژی تا حدی جبران شده، البته برای کارکنان بخش عمومی نه تنها ضرری ندارد، بلکه به قول دانش‌آموزان مدارس قدیم (فتیله فردا تعطیله). اما برای مردم که همیشه با وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکت‌های دولتی سروکار دارند، این موضوع باعث تأخیر در انجام کارهایشان می‌شود.



از شوخی گذشته، مقوله قاچاق انرژی سوختنی از موضوعاتی است که در اغلب دولت‌های گذشته اتفاق افتاده، اما چون مقامات ذیربط در همان زمان به صورت جدی با قاچاقچیان برخورد نکرده‌اند، حالا به این وسعت رسیده و بدیهی است که قاچاق تنها به مواد سوختنی مربوط نمی‌شود، بلکه قاچاقچیان در هر فصلی کالایی را که مصرف بیشتر و بالطبع قیمت بالاتری دارد به داخل و خارج از کشور منتقل می کنند.

اگرچه دولت دکتر مسعود پزشکیان چندماهی بیشتر نیست که زمام امور را در دست گرفته و نمی‌بایست در روز تنگناهای این چنینی به قولی تمام کاسه کوزه‌ها را بر سر مسئولان این دولت شکست، اما وزرای ذیربط (مشخصاً وزیر نفت) نیز نباید از پیگیری مستقیم مسائل و مشکلات وزارت تحت مسئولیت خود غافل شوند تا کار به جایی برسد که رئیس‌جمهور صدیق ناچار شود به مردم گزارش بدهد که روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین گم می‌شود و این بهانه‌ای به دست مخالفان دولت بدهد که با افزودن حواشی و آکنده‌نمایی موضوع هیاهو راه بیندازند و آن‌چنان را آن‌چنان تربنمایانند و مثلاً رندی ۲۰ میلیون لیتر بنزین را ضرب در قیمت فوب جهانی کنند و نتیجه بگیرند که ضرر وارده به کشور از این بابت روزانه به میلیاردها دلار می‌رسد و هکذا الی غیرالنهایه.

# جعفردرایی؛ روایتگر فیدوس‌های خاموش بندر بوشهر



**جمیل رزمی:** درنخستین روزهای فصل زمستان با ورود کتاب فیدوس اثر جعفردرایی به بازار کتاب فصل جدیدی را در چاپ کتاب هایی در ژانر پژوهش و تاریخ شفاهی بوشهر گشوده شد.

در مسیر گسترش فرهنگ کتابخوانی و برحسب وظیفه اطلاع رسانی هفته‌نامه نسیم‌جنوب به اهالی قلم و دوستداران کتاب، برای شرکت در رونمائی ازکتاب فیدوس، گام در یکی از مقدس‌ترین و تاثیرگذارترین محیط‌های علمی بوشهر یعنی مدرسه مانای سعادت مظفری بوشهر نهادم تا ماموریتی را که بر عهده‌ام گذاشته شده بود را به شکل شایسته‌ای تهیه و در اختیار خوانندگان هفته‌نامه قرار دهم.

این مراسم با استقبال مردم مواجه شده بود به‌طوری که سالن پر بود از دوستداران کتاب، مراسم مطابق معمول با کمی تأخیر و با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز شد. مهدی انصاری ناشر انتشارات هلیله به عنوان مجری مراسم ضمن خوش آمدگویی به مدعوین حاضر در جلسه مطالبی درخصوص کتاب فیدوس ارائه کرد و در ادامه از استاد دباش نویسنده سرشناس به عنوان نخستین سخنران دعوت کرد تا مطالبی پیرامون کتاب برای حضار بیان کند.

استاد دباش در ابتدا با ذکرمقدمه ای ناب در توصیف ساکنان شریف بوشهر قدیم از نقش کارخانه اعتمادیه به عنوان رکنی رکین در اقتصاد مردم این شهر یاد کرد و آن را عنصری مهم درحیات اقتصادی مردم در آن برهه از زمان دانست که به خوبی در این کتاب به آن پرداخته شده است.

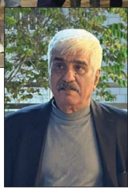
وی این کتاب را نه به عنوان یک کتاب داستان و رمان بلکه آن را کتاب زندگی برشمردند و درایی را احیاگر محلاتی دانست که نام آن‌ها از روی نقشه جغرافیا محو شده بود. محلاتی چون لیل، باغ ملاء، باغ شیخ ابول و جفره علی باش، درایی در این کتاب محلات و ساکنان آن را به زیبایی نقاشی کرده است.

استاد دباش تصریح کرد که ما در این کتاب با یک زن مواجه هستیم که تلاش او، نمونه و ستودنی است. وی همچنین کشیدن نویسنده، فیدوس در ابتدای صبح که کارگران را فرا می خواند و بعدازظهر که کارگران دست از کار می کشند را حد فاصل دنیای کار و تلاش و رفت و آمد آن‌ها در مسیر بین راه را بسیار زیبا به تصویر کشیده است.

وی با ذکرخاطره ای از سال های درخشان کارخانه خلیج در بوشهر گفت که در سیکل اول دبیرستان پدرم از من خواست برای نظارت بر کار کارگران در حمل کالا به کارخانه خلیج بروم هنگامی که بار تکمیل شد پرسیدم مقصد بار کجاست وقتی که در پاسخ من گفته شد تهران چقدرخوشحال شدم کارخانه‌ای داریم که محصول آن را به تهران ارسال می کنند. متاسفانه با رفتن سکینه از کارخانه اعتمادیه موج کارگران بیکار به سمت مرکز شهر افزایش یافت به حدی که دو راه بیشتر پیش روی آن‌ها نبود یا حمالی در بازار و یا کارگری در گمرک.

دومین سخنران دکتر غلامحسین نظامی بود که به خوبی به تبین کتاب فیدوس پرداخت. وی کار ارزشمند درایی را یک کارجامعه شناسانه دانست. و گفت: ما در جامعه‌ای زندگی می کنیم که زمان توقف ناپذیراست و برای کسی متوقف نمی شود. زمان رو به جلوحرکت می‌کنند و شاهد تغییرات همه جانبه در جامعه هستیم. در این مسیر، زمان ارزش‌ها، خاطره ها و یادگارهای گذشته را در می نوردد و حل می‌کند اما در این میان بسیارند از اهل قلم که همواره دغدغه سرنوشت خاطره‌ها و یادگاری‌های گذشته را دارند و چاره ای نیست جز آن که بدون معطلی برای آن‌ها مستندسازی شود، تاریخ‌نگاری و جمع‌آوری و چاپ تصاویر صورت بگیرد و با داستان‌نویسی مبتنی بر واقعیت رخ داده‌های گذشته را حفظ کنند. بنابراین قصه فیدوس





آقای درایی که بر اساس واقعیات زندگی گذشته خانواده خود به ویژه مرحوم مادرش به نگارش درآمده است نمونه خوبی از تلاش برای حفظ خاطرات زندگی چند دهه گذشته خانواده های بوشهری برای بقاء و زندگی است.

وی افزود: کتاب فیدوس حاوی روایت‌های دیگری از فامیل و کار سخت بر روی دریا و خطرات آن است که اوج آن به داستان واقعی غرق شدن دایی‌اش در روایت بی‌رحمی‌های دریا جلوه نموده است. در این‌جا نویسنده تنها به شنیدن شرح حال و پردازش آن اکتفاء نکرده است بلکه به سان یک پژوهشگر مسائل انسانی را ده سال مدام با کار مستندسازی و مطالعه رویدادها در کتاب ها و پرس‌وجو از کهنسالان و آگاهان به تاریخ و جغرافیای محلات پرداخته است. نویسنده خیلی مو شکافانه در شرح پیچ و خم‌های محلات حتی در نوشتن آدرس کوچه‌ها و خانه‌های افراد نیز دقت کرده و تابلویی زیبا و واقعی رابه تصویر کشیده که بی‌نظیر است.

در ادامه مراسم مجری برنامه از گروه حرفه ای موسیقی آوای سعادت وکرال آموزشگاه دستان دعوت کرد تا برای اجرای برنامه به روی سن بیایند. این گروه به اجرای تصنیف مطرب مجلس در آواز ابوعطا و تصنیف دوش، دوش در آواز افشاری پرداختند که با استقبال گرم مواجه شدند. این گروه تحت رهبری و سرپرستی استاد کاظم فرهنگ‌منش از هنرمندان شناخته شده درعرصه موسیقی سنتی می‌باشد که با همراهی بانوان هنرمند نرگس هوشمند، ناهید ملاح نژاد، شهلا هوشمند، سهیلا بوستانی، مرضیه عباس‌زاده، زیبا میرشکاری و لیندا جامه بزرگی با اجرای زیبا و بی نقص خود طراوتی وصف ناپذیر به فضای مجلس بخشیدند.

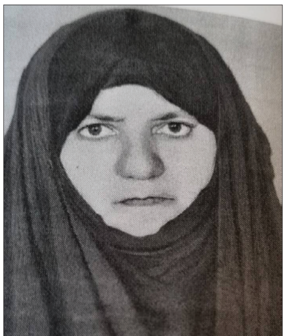
مجری برنامه از برادران درایی خواست که برای ایراد سخنرانی به پشت تریبون بیایند. ابتدا غلام درایی برادر نویسنده با استناد به کتاب قدرت بی‌قدرتان نوشته گوستاوپاول سطوری از آن را پایه و محور اصلی صحبت‌های خود قرار داد و در ادامه گفت: مستبدین، شریف زیستن را مدام دشوار می کنند و شریفانه زیستن را دشوار می سازند و در شرایط فعلی هزینه شرافت زیستن بسیار زیاد می‌باشد و جعفر بخاطر همین شریف زیستن، دوستان شریف زیادی دارد که نمونه کوچکی از آن‌ها همین دوستانی هستند که این‌جا جمع هستند.

وی با بازخوانی چندخط از این کتاب اشاره جالبی به زیست شرافتمندانه و ارتباط آن با نویسنده کتاب داشت.

آخرین سخنران که با تشویق حاضرین پای تریبون آمد جعفر درایی نویسنده و خالق کتاب فیدوس بود. او ضمن خوش‌آمدگویی به حاضرین سخنانش را با متنی زیبا از برنامه گل‌های رنگارنگ شروع کرد و خیلی کوتاه به علل نوشتن کتاب فیدوس پرداخت.

درایی گفت: مادرم به علت بیماری مدتی در بیمارستان بستری بود، بعدها که او را به خانه برادرم غلام آوردیم شب‌ها ساعت‌ها در کنارش می نشستم، دستم را می‌گرفت و با او همسفر می‌شدم. او مرا با خودش از سال ۱۳۲۸ تا سال۱۳۸۲ به سفری دور و دراز می‌برد و برایم از قدیم قدیما می‌گفت و همین عامل مرا واداشت تا نسبت به زندگی او و مردم هم عصرش احساس مسئولیت کنم و شروع به تحقیق کردم و از هرکس نشانی گرفتم و همین شد که برای نوشتنش ده سال از عمرم را پای پروراندنش گذاشتم و امروز با حضور شما در این مکان مزد سختی‌های کارم را دارم می‌گیرم. از خانواده‌ام و همه کسانی که مرا حمایت کرده و می کنند ممنونم.

با پایان یافتن مراسم بازار گرفتن عکس‌های یادگاری گرم شد.



تصویری ازسکینه بوریال
قهرمان قصه فیدوس

من به سالن جلسه برمی‌گردم و به تنهایی در انتهای سالن بر روی صندلی می‌نشینم و اتفاقات مراسم را با خودم مرور می کنم، چشم برهم می‌نهم و فضا را برای خودم مجسم می کنم، سالن شلوغ است به‌طوری که عده‌ای در بیرون سالن ایستاده و عده‌ای بر روی صندلی‌هایی که در کریدور چیده شده بود با دقت به مطالب گوش می‌دادند. بی شک این مراسم یکی از بیاد ماندنی‌ترین رونمایی‌هایی است که من دیده ام. چیزی که بیش از همه ذهن مرا درگیرخود می‌کند شخصیت جالب سکینه قهرمان قصه جعفر است این کتاب روایت دختری چهارده ساله است که نه از سر نیاز چون دختر ناخدا حسین بوریال است بلکه از سر ماجراجویی دست به سفری می زند که خواننده را با خود همراه می سازد. او دختری چست و چابک با روحیه ای مبارزطلب که حضور ذهن و جسارتش وی را از سایر دختران ناخدا حسین متمایز می‌سازد. سکینه دختری زحمتکش و عصیانگر است که در برابر هر آن‌چه که اوآن را نابرابری و ظلم می‌دانست سرسختانه می‌ایستاد و در مقابل بی‌عدالتی هرگز تسلیم نمی‌شد. سکینه نمونه یکی از صدها مادرانی است که تاریخ ما هرگز چهره آن‌ها را به خوبی به تصویر نکشید. سکینه بوریال همان دخترک معصومی است که در دل تاریکی شب جغرافیای محلات را برای‌مان همچون یک شبگرد نترس روایت می کند تا ما بعد از دهه‌ها تصویری روشن ازساکنان سرزمین صبر را به آیندگان نشان دهیم. روحش درآرامش ابدی.

مصاحبه نسیم جنوب با مریم دست باز، هنرمند بوشهری:

# از هنرمندان آن‌طور که باید حمایت نمی‌شود

مصاحبه از احمد موسوی‌زاده

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– من مریم دست باز هستم، ۳۷ ساله، متولد و بزرگ شده شهر بوشهر. شغلم هنرمند و کالیگرافیست است.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– من در رشته هنری کالیگرافی و نقاشی خط به صورت حرفه‌ای پنج سال است که فعالیت می‌کنم.

– چه شد که به این هنر علاقه‌مند شدید؟

– من همیشه به هنر علاقه‌مند بودم و فعالیت هنری داشتم و خطاطی می‌کردم تا این‌که با کالیگرافی آشنا شدم و به صورت حرفه‌ای تصمیم به آموزش دیدن گرفتم و به‌صورت پیوسته و بی‌وقفه سعی در یادگیری و خلق اثر هنری کردم.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– آموزش کالیگرافی، کار با مواد، خوشنویسی نستعلیق، ثلث و کوفی که همه این خطوط را در تابلوها و آثار هنری استفاده می‌کنم.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– خیلی خوب نیست و از هنرمندان آن‌طور که باید حمایت نمی‌شود و اشتغال برای هنرمندان ایجاد نمی‌شود.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– مشوق اصلی من همسرم بود و هست. ایشان در هر شرایطی از من حمایت می‌کند و همراه من برای پیشرفتم همدلی و همراهی می‌کند.

– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟

– هدف من معرفی و نمایش این هنر ماندگار و اصیل به مردم است.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقه‌مند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– اگر به هنر علاقه‌مند هستند، در هر زمینه‌ای با انگیزه و انرژی مثبت به دنبال علایق خود بروند و با تلاش و پشتکار سعی در پیشرفت در هنر و کارشان داشته باشند.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– آن‌طور که انتظار می‌رود، مانند شهرهای بزرگ‌تر نیست و حمایت از یکدیگر نمی‌کنند.

– سخن پایانی؟

– به عنوان یک هنرمند واقعا دلم می‌خواهد که زمینه‌ای برای همه هنرمندان فعال در این رشته هنری



فراهم شود تا آثارشان به صورت رایگان به نمایش گذاشته شود، دیده، شناخته و حمایت شوند تا به درآمد برسند. از هنرمندان شهرمان برای زیباسازی شهر کمک گرفته شود تا این هنر زیبا شناخته شود.

مصاحبه نسیم جنوب با محمد اسماعیل مظفری:

# هنر قادر است آرامش را برایتان به ارمغان بیاورد



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– محمد اسماعیل مظفری هستم، متولد ۱۳۶۱ از بندر گناوه. معدن‌دار و تولیدکننده محصولات فولادی (کارخانه پارسیان و مجتمع فولاد بوشهر).

– در چه رشته‌ای فعالیت می‌کنید؟

– در رشته کالیگرافی و نقاشی خط.

– چه شد که به این هنر علاقه‌مند شدید؟

– بر اساس رشته تحصیلی (ادبیات) و این‌که روانشناسی بالینی را نیز به صورت ترمی گذرانده‌ام، حس و علاقه وافری به هنر پیدا کردم. زیرا با تجربیاتی که از دیگران کسب کردم و به مرور، آرامش و لذت درونی را در هنر دیدم، بنده هم تشویق شدم و هنر را انتخاب کردم.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تا کنون دیده‌اید؟

– دوره کالیگرافی و نقاشی خط زیر نظر استاد نجمه کرمانی.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– وضعیت کنونی این رشته روز به روز در حال افزایش است و علاقه‌مندان بیشتری را به خود جذب می‌کند. کما این‌که تا الان بیش از چندین هنرمند زیر نظر استاد (کرمانی) دوره‌ها را به اتمام رسانده و شروع به آموزش در آموزشگاه‌های مختلف کرده‌اند. در نمایشگاه اخیر (نقش قلم) شرکت نموده‌ام و بازدید و استقبال مردم از این رشته واقعاً قابل تحسین است و بی‌نهایت مورد پسند همه قرار دارد.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بوده‌اند؟

– در این راه، بسیاری مشوق من بودند که بیشترین سهم به خود استاد و دوستان هنرمندی که زودتر از بنده این راه را دنبال کردند، برمی‌گردد.

– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟

– هدف من از این رشته این است که روزی بتوانم مثل استادم و دیگران این هنر را در اختیار دیگران قرار دهم و سهم خود را برای هنر استان و کشور ادا کنم.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– همکاری‌های بسیار خوبی از طرف مسئولین صورت می‌گیرد و کما این‌که تا به حال شاهد حمایت‌ها هستیم. اما نقدهایی هم وجود دارد، در زمینه مسائل مالی (اجازه نمایشگاه‌ها) که انتظار می‌رود بیشتر هنرمندان را درک کنند.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که به این رشته هنری علاقه دارند، می‌کنید؟

– توصیه‌ای که نمی‌توانم داشته باشم، اما پیشنهاد می‌کنم حتماً یک رشته هنری را انتخاب کرده و در آن فعالیت کنند. هنر به تنهایی قادر است آرامش را برایشان به ارمغان بیاورد و جدا از این، به عنوان یک منبع مالی نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد.

– سخن پایانی

– این‌که مسئولین مربوطه نگاه سازنده و روشن‌بینانه‌ای به این رشته از هنر داشته باشند و همکاری بیشتری، و مهم‌تر از همه، در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها با حضور خودشان دلگرمی و مشوق هنرمندان باشند.

در نمایشگاه اخیر، جناب دکتر افروغ با حضور خودشان، اعتماد به نفس و لبخند و حمایت خود را از هنرمندان ارمغان آوردند که جای بسی تشکر دارد. همچنین از مسئولین دیگر، مانند خانه هنرهای تجسمی، انجمن خوشنویسان و... نیز قدردانی می‌شود.

در نهایت، از شما بابت این مصاحبه کمال تشکر و قدردانی دارم.

## بازنگری در پیشرفت‌های تولید آروماتیک هیدروکربن از طریق تجزیه کمک کاتالیزور زیست توده و پلاستیک

**ترجمه از : حسین ایزدپناه**



آروماتیک هیدرو کربن به ویژه آروماتیک هیدروکربن تک دور مانند بنزن و اسکینزن (بی تی اکس ) مواد خام خیلی مهمی در صنعت شیمیایی هستند که اساساً از اصلاح کاتالیزور و شکاف حرارتی سوخت‌های فسیلی منتج می گردند. قرار دادن کمک کاتالیزورهای زیست توده برای تولید آروماتیک مزایای حائز اهمیتی مانند حفظ زیست محیطی، هزینه کم و گزینش بالا دارد.

این می تواند تولیدات مبتنی بر تغییرات شیمیایی مانند محتوای اکسیژن بالا، بازدهی کم و گزینش پایین اروماتیک را که به خاطر ویژگی‌های زیست توده پرمایه در اکسیژن و فقر آن در هیدروژن بوجود می آید را حل کند.

این مقاله پیشرفت‌های تحقیق تجزیه کمک کاتالیزور زیست توده و پلاستیک را برای آماده‌سازی عناصر آروماتیک را بازنگری کرده است.

اول از همه نوع مواد خام برای تجزیه کمک کاتالیزور معرفی شدند سپس بر کاتالیست‌های تجزیه‌ای کمک کاتالیزورهای زیست توده تاکید شده‌است.

مکانیزم واکنشی تجزیه کمک کاتالیزورهای زیست توده و پلاستیک مانند تولیدات به دست آمده از دی آن ها و هم افزاهای مایع هیدروکربن هم در نهایت به طور خلاصه آورده شدند.

تحقیق آینده، توسعه و تمرکز بر جهت‌دهی تجزیه کمک کاتالیزورهای زیست توده و پلاستیک پیشنهاد شده است به این دلیل که در حال توسعه دادن فعالیت‌های سطح بالا و کاتالیست‌های غربال شده مولکولی برای بهبود بازدهی آروماتیک هستند.

منبع: روزنامه سوخت،شیمی و تکنولوژی. سال انتشار: آوریل ۲۰۲۴.

## مجوز تغییر کاربری هفت عمارت و بنای تاریخی در بوشهر صادر شد

ناظر گمرکات استان و مدیرکل گمرک بوشهر گفت: مجوز واگذاری هفت عمارت و بنای تاریخی در اختیار این اداره کل به بخش خصوصی در قالب قرارداد مرمت، بهره‌برداری و واگذاری توسط گمرک ایران صادر شد.

براساس تصمیم کمیته واگذاری بناهای تاریخی در اختیار دستگاه‌های اجرایی، عمارت های هفت بنگله و ساختمان های گمرک بندر بوالخیر، لاور ساحلی، گمرک دیر و کنگان که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده اند به بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

سلیمانی تصریح کرد: دو اثر تاریخی دیگر شامل عمارت حاج رئیس به تازگی با کاربری اقامتی به بخش خصوصی واگذار شده و ساختمان ایرانی نیز تبدیل به موزه تجارت دریایی شده است.

# مطاف؛ از برمودای ایران تا افتخار ایمنی دریانوردی

**سید حسام مزارعی، کارشناس روابط عمومی بندر بوشهر**



در دل دریای جنوب، در فاصله ۱۷ مایلی از بندر صیادی دیر، منطقه‌ای پنهان زیر آب به نام مطاف وجود دارد؛ جایی که دریانوردان آن را با لقب ترسناک "برمودای ایران" می‌شناسند. مطاف سال‌ها به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و نبود ارتباط رادیویی، به خطرناک بدل شده است. این نقطه مرموز، که در مسیر تردد شناورهایی قرار دارد که از شمال بوشهر عزم دُبی می کنند، طی دهه‌ها شاهد حوادث غم‌انگیزی بوده است. اما حالا، این کابوس طولانی پایان یافته است.

### نقطه‌ای کور در دل دریا

تصور کنید شناوری در این منطقه دچار حادثه شود. در نبود هیچ ایستگاه رادیویی که پیام اضطرار را دریافت کند، تنها امید، عبور تصادفی شناور دیگری برای انتقال پیام است. برای بیش از چهار دهه، دریانوردان چنین شرایطی را تجربه می‌کردند. اما امروز، با افتخار می‌توان گفت که مطاف دیگر نقطه کور رادیویی نیست. به همت اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر، اکنون تمامی شناورها در هر نقطه از شمال تا جنوب استان می‌توانند به راحتی با نزدیکترین ایستگاه ارتباط برقرار کنند.

### آغاز یک تحول: مأموریتی که همه چیز را تغییر داد

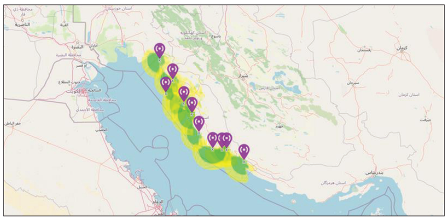
سه سال پیش، دکتر امید یزدانی به درخواست سازمان بنادر و دریانوردی از مرکز به بوشهر منتقل شد. او که پیش از سفرش مأموریتی خاص دریافت کرده بود، هنگام خداحافظی با همکاران با پیامی تکراری روبرو شد:"اگر به بوشهر می‌روی، فکری به حال نقطه کور مطاف کن. " این جمله ساده، جرقه‌ای برای حل مشکلی شد که به دیرینگی چهل و اندی سال بود. یزدانی، که مأموریت جدیدش را با دغدغه‌ای بزرگ آغاز کرده بود، در سال دوم حضورش در بوشهر، به همراه تیمی از متخصصان، به ویژه عنایت الله جمشیدی و مهرداد ارژنگ نژاد، راه‌حلی نوآورانه ارائه داد:" یافتن یک دکل مناسب در نزدیکی مطاف برای نصب تجهیزات رادیویی".

### جستجوی دکل؛ سفری به بیابان‌های جنوب

شش ماه تلاش خستگی‌ناپذیر آغاز شد. هر هفته، دو تا سه روز را در اطراف رأس مطاف، از خورخان تا بنه‌گز، به جستجوی دکل سپری می‌شد. با بررسی نقشه‌های گوگل و بازدیدهای میدانی، چندین دکل شناسایی شد که هرکدام با دقت و جزئیات تحلیل شدند. چالش‌ها یکی پس از دیگری پدیدار می‌شدند: نزدیکی برخی دکل‌ها به محدوده‌های نظامی، کمبود فضای کافی برای تجهیزات و نبود زیرساخت‌هایی مانند برق و امنیت باعث شد بسیاری از گزینه‌ها کنار گذاشته شوند. اما در نهایت، دکلی در روستای کوچک جمال‌آباد، که شهرت جهانی خود را مدیون کوچکترین مدرسه دنیا در کالو است، به‌عنوان بهترین انتخاب مشخص شد. این دکل ۴۸ متری، که در فاصله‌ای مناسب از مطاف و با امکانات کافی نظیر برق، جاده دسترسی، امنیت فیزیکی و ... قرار داشت، نتایج شبیه‌سازی و تحلیل لینک رادیویی با نرم افزارهای تخصصی رادیویی،آن را به گزینه‌ای ایده‌آل برای پایان دادن به این معضل بدل کرده بود.

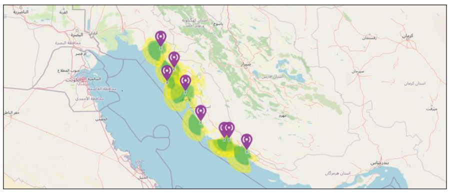
### از ایده تا اجرا؛ همدلی برای نجات دریانوردان

پس از انتخاب دکل، رایزنی با مخابرات استان بوشهر آغاز شد. اهمیت پروژه، خطرات منطقه و نیاز حیاتی دریانوردان به ارتباط رادیویی به‌طور کامل توضیح داده شد. نتیجه این مذاکرات، توافقی سریع و همکاری بی‌دریغ مخابرات استان بود.حتی کانکسی نیز برای نصب تجهیزات و سیستم‌های پیشرفته مانیتورینگ در اختیار تیم قرار گرفت. در تمامی مراحل، مجموعه واحد فنی، به ویژه کارشناسان



پوشش جدید مخابراتی

و متخصصان اداره تعمیر و نگهداری تجهیزات، با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر که از آغاز پروژه با آن همراه بودند، با تلاش‌های شبانه‌روزی و برگزاری جلسات فنی و کارشناسی، نقش کلیدی در پیشبرد مراحل



پوشش قدیم مخابراتی

پایانی داشتند. خرید تجهیزات، نصب و راه‌اندازی آنتن‌ها و انجام تست‌های اولیه ارتباطی نیز با موفقیت و به شکلی شایسته توسط همکاران اداره تعمیر و نگهداری تجهیزات به سرانجام رسید. پس از نصب آنتن‌ها و انجام تست‌های موفقیت‌آمیز، شناوری که در مطاف قرار داشت، پیام اضطراری خود را به ایستگاه رادیویی دیر مخابره کرد. این پیام بلافاصله به مرکز جستجو و نجات دریایی بوشهر انتقال یافت. برای نخستین بار، پس از چهل سال، صدای یک شناور از مطاف شنیده شد.



# هوش مصنوعی و نویسندگی؛ گفتگویی ضروری

محمود حمزه ئیان



همان‌طور که این روزها تقریبا در همه جا از هوش مصنوعی صحبت می‌شود، نظرهای متفاوتی نیز در مواجهه با آن می‌شنویم. برخی آن را بسیار پیچیده و غیر قابل دسترس می‌دانند. برخی آن را راه‌گشای آینده بشریت و برخی نیز حتی آن را عاملی برای انقراض بشریت می بینند. اما شاید بهتر باشد فعلا هوش مصنوعی را ابزاری در دست بشر بدانیم که مانند هر ابزار دیگری می‌تواند کاربردهای منفی یا مثبتی داشته باشد. واقعیت این است که دیر یا زود کاربردهای متفاوت آن برای همگان آشکار خواهد شد و بهتر است همان‌گونه که کارکردن با اینترنت، تلفن همراه و سایر تکنولوژی‌ها را آموختیم، به یادگیری این ابزار جدید نیز بپردازیم. حال می‌خواهم نمونه ای از کارکرد هوش مصنوعی را بیان کنم که شاید برای نویسندگان نسیم جنوب از خوانندگان آن جذاب‌تر باشد. مقاله ای که شما در پایان این نوشته کوتاه من خواهید خواند را، من ننوشته ام و می‌توانید به آن برچسبAI یا هوش مصنوعی بزنید. مقاله پیش رو در چند ثانیه و توسط هوش مصنوعی Google Gemini نوشته شده و من صرفا موضوع مورد علاقه ام و این که مقاله حداقل چند کلمه داشته و شامل چه مثال‌هایی باشد را به آن داده ام. احتمالا یافتن تفاوت‌های این مقاله با نوشته‌های انسانی بسیار سخت باشد. اما این آینده است. من می توانم از این ابزار بخواهم در هر موردی برای من مقاله‌ای با مشخصات مورد نظرم بنویسد. حتی می‌توانم بخواهم نوشته‌های خود من را بخواند، نظرش را بگوید، ایرادات آن را پیدا کند و یا با مثال‌هایی جذاب، آن را خواندنی‌تر کند. ممکن است شما به عنوان نویسنده این را نوعی تقلب بدانید (البته این نوید را به شما می‌دهم که ابزارهایی برای تعیین نوشته شدن مقالات توسط انسان یا هوش مصنوعی وجود دارند)، اما واقعیت این است که این ابزار همین حالا می تواند این کارها را انجام دهد و اتفاقا این ساده‌ترین کاری است که می‌تواند انجام دهد و طوری هم طراحی شده که هر روز توانایی‌های خودش را بهبود و توسعه دهد. در خارج از ایران با آمدن این ابزار جدید، گفتگوها و بحث‌های زیادی درخصوص نحوه مواجهه با آن در جریان است و این نوشته هم به این امید است که شاید جرقه‌ای باشد تا از این دست گفتگوها بین اندیشمندان و نویسندگان هم استانی ما نیز آغاز شود. در پایان شما را به خواندن مقاله نوشته شده توسط هوش مصنوعی Google Geminiدعوت می‌کنم:

تخریب خلاق: موتور محرک نوآوری و تحول در ایران و جهان (نوشته شده توسط هوش مصنوعی Google Gemini)

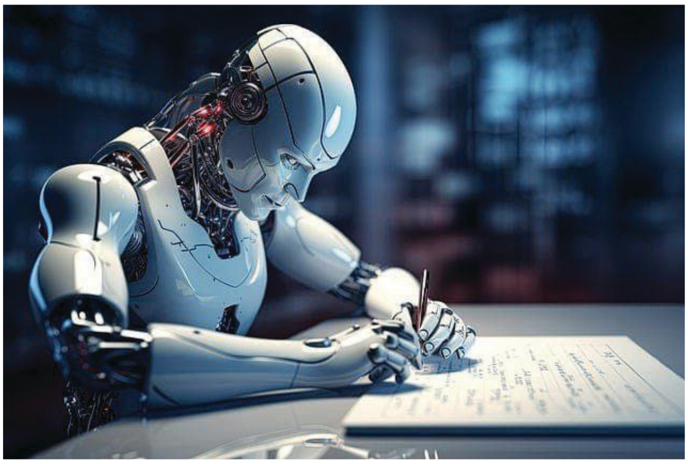
تخریب خلاق، مفهومی است که توسط اقتصاددان اتریشی، جوزف شومپیتر، مطرح شد و به فرایندی اشاره دارد که در آن نوآوری‌های جدید، جایگزین فناوری‌ها و محصولات قدیمی شده و ساختارهای اقتصادی را متحول می کنند. این فرایند، گرچه به ظاهر مخرب به نظر می‌رسد، اما در واقع نیروی محرکه پیشرفت و رشد اقتصادی است.

## تخریب خلاق چگونه عمل می‌کند؟

تخریب خلاق، چرخه‌ای مداوم است که شامل مراحل زیر می‌شود:

نوآوری: معرفی ایده‌ها، محصولات یا خدمات جدید که ارزش افزوده بیشتری نسبت به محصولات موجود ارائه می‌دهند.

رقابت: محصولات جدید با محصولات قدیمی رقابت کرده و سهم بازار آن‌ها را کاهش می‌دهند.



تخریب: محصولات قدیمی به تدریج از بازار حذف شده و جای خود را به محصولات جدید می‌دهند.

تولد دوباره: با حذف محصولات قدیمی، فرصت‌های جدیدی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید و ورود به بازار ایجاد می‌شود.

## اهمیت تخریب خلاق

تخریب خلاق، نقش مهمی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار ایفا می کند. برخی از مهم‌ترین مزایای این فرایند عبارتند از:

افزایش بهره‌وری: محصولات و خدمات جدید، معمولاً کارآمدتر و با کیفیت‌تر از محصولات قدیمی هستند و در نتیجه به افزایش بهره‌وری کمک می کنند.

ایجاد اشتغال: ایجاد کسب‌وکارهای جدید و توسعه صنایع نوظهور، منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید می‌شود.

بهبود کیفیت زندگی: محصولات و خدمات جدید، می‌توانند کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشیده و نیازهای جدید آن‌ها را برطرف کنند.

رشد اقتصادی: تخریب خلاق، موتور محرک رشد اقتصادی است و به ایجاد ثروت و افزایش درآمد ملی کمک می کند.

## نمونه‌هایی از تخریب خلاق در جهان

تخریب صنعت موسیقی توسط استریمینگ: ظهور سرویس‌های استریمینگ موسیقی مانند Spotify و Apple Music، مدل کسب‌وکار سنتی صنعت موسیقی مبتنی بر فروش آلبوم را به چالش کشید و باعث ایجاد تغییرات اساسی در این صنعت شد. این نمونه نشان می‌دهد چگونه یک فناوری جدید می‌تواند یک صنعت قدیمی را متحول کرده و مدل‌های کسب‌وکار جدیدی را ایجاد کند.

## نمونه‌هایی از تخریب خلاق در ایران

تخریب صنعت تاکسی سنتی توسط تاکسی‌های اینترنتی: ورود شرکت‌های تاکسی اینترنتی مانند اسنپ و تپسی به بازار ایران، صنعت تاکسیرانی سنتی را با چالش جدی مواجه کرد. این شرکت‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین و مدل‌های کسب‌وکار متفاوت، توانستند سهم قابل توجهی از بازار حمل و نقل شهری را به خود اختصاص دهند. این نمونه نشان می‌دهد چگونه یک فناوری جدید می‌تواند یک صنعت سنتی را در ایران متحول کند.

## چالش‌ها و فرصت‌های تخریب خلاق در ایران

تخریب خلاق در ایران با چالش‌هایی مانند:

مقاومت در برابر تغییر: بسیاری از افراد و سازمان‌ها در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند و پذیرش فناوری‌های جدید را دشوار می‌سازند.

کمبود سرمایه: دسترسی محدود به سرمایه برای ایجاد کسب‌وکارهای نوآور، یکی از چالش‌های مهم در ایران است.

نبود زیرساخت‌های مناسب: نبود زیرساخت‌های مناسب برای توسعه فناوری‌های نوین، می‌تواند مانعی برای فرایند تخریب خلاق باشد.

در عین حال، تخریب خلاق در ایران فرصت‌های بسیاری را نیز ایجاد کرده است. با توجه به جمعیت جوان و تحصیل‌کرده ایران، این کشور پتانسیل بالایی برای ایجاد کسب‌وکارهای نوآور و توسعه صنایع جدید دارد.

## نتیجه‌گیری

تخریب خلاق، یک نیروی قدرتمند و اجتناب‌ناپذیر در اقتصاد است. شرکت‌ها و صنایع مختلف باید برای بقاء و رشد، خود را با این فرایند وفق دهند و به دنبال ایجاد نوآوری‌های جدید باشند. دولت‌ها نیز باید با ایجاد محیطی مساعد برای نوآوری و سرمایه‌گذاری، از فرایند تخریب خلاق حمایت کنند. در ایران، با وجود چالش‌هایی که وجود دارد، فرصت‌های بسیاری برای بهره‌برداری از پتانسیل‌های تخریب خلاق وجود دارد.

منابع:
شومپیتر، جوزف. نظریه توسعه اقتصادی.
کریستینسن، کلی. پارادایم شیفت.

**رئیس کانون تیم فوتبال پارس جنوبی جم:**

# اداره ورزش استان بوشهر، پیگیر حضور تماشاگران زن در ورزشگاه جم نیست!

– لطفا خودتان را معرفی کنید.

– سید علی موسوی عضو هیأت ریسه باشگاه پارس جنوبی و رئیس کانون تیم فوتبال پارس جنوبی جم هستم.

– گفته می‌شود که ورزشگاه تختی برای حضور تماشاگران بانوان در مسابقات فوتبال پارس جنوبی، مناسب‌سازی شده است، این امر چگونه صورت گرفته است؟

–برای حضور بانوان با کمک مسؤلین شرکت پالایشگاه گاز فجر جم که مجموعه ورزشگاه تختی زیرمجموعه و تحت مالکیت آن مجوعه است و بنا به درخواست بانوان حامی پارس جم، کار جداسازی ورودی بانوان به ورزشگاه، سرویس‌های آبخوری و بهداشتی مستقل و فنس‌کشی ورود بانوان به‌صورت جدای از مردان حدود ۲ ماه قبل انجام و به‌وسیله مستغلات شرکت پالایشگاه گاز فجرجم تمامی خواسته سازمان لیگ برآورده گردید که جای تقدیر دارد.

– یعنی الان ورزشگاه جم آماده حضور تماشاگران زن هست؟

– بله الان ورزشگاه تختی جم با استاندارد مورد درخواست سازمان لیگ فوتبال فدراسیون از هر لحاظ آماده است.

– پس چرا هنوز تماشاگران زن را به بازی‌های پارس جنوبی راه نمی‌دهند؟

– متاسفانه علیرغم تاییدیه اداره ورزش و جوانان شهرستان جم و مکاتبه با مرکز استان (اداره کل ورزش و جوانان) پیگیری لازم و مکاتبه لازم تا این لحظه و امروز (دوم دیماه) با وزارت ورزش و مسئولین سازمان لیگ انجام نداده و مجوز لازم به‌صورت رسمی نمی‌دهند.

–از اداره ورزش و جوانان هم موضوع را دنبال کرده‌اید



که چرا پیگیری‌های لازم را برای گرفتن مجوز، انجام نمی‌دهند؟

– بله، رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان جم در فردای آماده شدن زیرساخت‌ها مکاتبه لازم انجام دادند و فعلا گیر کار در مرکز استان و سازمان لیگ وزارت ورزش می‌باشد.



– چه انتظاری از استاندار در این زمینه دارید؟

– از آقای استاندار به عنوان نماینده عالی دولت و رئیس شورای تأمین استان درخواست می نمایم نسبت به ورود بانوان جمی مانند سایر ورزشگاه‌های کشور همراهی و کمک نمایند.

–سخن پایانی؟

– انصافا مهندس سخاوت اسدی از حدود ۳ سال که به عنوان مدیرعامل منطقه ویژه منصوب شده‌اند، خیلی از تیم فوتبال پارس جنوبی جم حمایت کردن که از ایشان هم تشکر می شود. همچنین از هفته نامه وزین نسیم جنوب که صدای مردم استان می باشند، کمال تشکر را دارم.



**به یاد شادروان عبدالمحمد زنگویی؛ پیشکسوت شاهین بوشهر**

# مرغِ دل باز هوادارِ کمان‌ابروییست

**شاهین بهرام نژاد**

جایی در کتاب «چهار اثر» نوشته فلورانس اسکاول‌شین خواندم که؛ «بیشتر مردم زندگی را پیکار می انگارند. اما زندگی بازی است.

آدمی هرچه بکارد همان را درو خواهد کرد. یعنی هرآن‌چه از آدمی در سخن یا عمل بروز کند به خودش باز خواهد گشت.

اگر نفرت بورزد، نفرت به او باز خواهد آمد.اگر عشق ببخشد، عشق خواهد ستاند، همچنین آموخته‌اند که قوه تخیل در بازی زندگی، نقش عمده‌ای دارد.»

حالا اینجا سخن از زنده‌یاد نیکنام عبدالمحمد زنگویی است.بی‌درنگ ذهنم نقبی می‌زند به آخرین چهارشنبه‌ی سال ۱۳۸۳. جایی که در شب چهارشنبه‌سوری شاهین بوشهر بنابر قرعه در جام حذفی میزبان استقلال تهران با هدایت امیر قلعه‌نوعی و تمام ستارگانش بود.

این بازی اولین پخش زنده یک مسابقه فوتبال از تلویزیون بوشهر برای شبکه سه و جام‌جم بود و من هم گزارشگر این بازی. آن زمان جایگاه گزارشگر در ورزشگاه شهید بهشتی وجود نداشت و من با یک صندلی و یک مانیتور کوچک در بین تماشاگران و میهمانان جایگاه ویژه استادیوم، بازی را گزارشگر می‌کردم. قبل از سوت داور استاد زنگویی برگشت سمت جایگاه و گفت: شاهین! امروز دو شاهین توی آسمون ایران پرواز می کنند!!!

این جمله، مثال یک فرکانس مثبت هیجان بیان مرا دوچندان کرد و قلبم را قرص. تو گویی همین کلام پر از انرژی استاد، نیروی محرکه‌ای بوده برای ساق‌ها و عضلات بازیکن شاهین. انگار اکسیژنی بود دمیده شده در شُش‌هایشان.



بعد ۱۲۰ دقیقه شاهین در ضربات پنالتی با آخرین ضربه‌ای که عماد نبی‌پور به توپ زد و با درخشش سنگربانش، هادی شفیعی بازی را برد. اشک‌های شوق و لبخندها بهم پیوند خوردند.



سریعاً جایگاه را ترک کردم تا برای گزارش و گفتگو با مربیان، خودم را به زمین بازی برسانم. اما در آن شلوغی مگر می‌شد با کسی گفتگو کرد؟

فریادهای ولید صفری توجه و نگاهم را به سمتش جلب کرد. ولید پشت‌سر هم آقای زنگویی را صدا می‌زد و استاد فقید، با بغضی تَرَک خورده انباشته از سال‌ها حسرت و خون‌دل خوردن و چشمانی تر، منبعث از حادثه‌ی رقم خورده و غریو شادمانی مردمان شهر یک به یک همه را در آغوش می‌گرفت. به سمتش رفتم تا این پیروزی را شادباش بگویم.

چند قدم مانده بود که به او برسم، نگاهش به من افتاد و انگشت اشاره‌اش را رو به آسمان خدا گرفت و گفت: نگفتم! نگفتم شاهین! نگفتم امروز دو شاهین در آسمان ایران پرواز می کنند و بعد از آن اشک و آغوش و دیگر هیچ ...

استاد زنگویی! حالا ما روی این خاک در انتظاریم تا روزی در افلاک باز بخوانی:

مرغ دل باز هوادار کمان‌ابروییست
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

### گفتگو با دکتر محمود دهقانی، نویسنده و تاریخ‌پژوه جنوب ایران:

# باید مردم را به خواندن تاریخ فراخواند

**- لطفا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید گفتگو درباره برجا مانده‌های تاریخی چه تاثیر فرهنگی خواهد داشت؟**

- من زاده سال ۱۳۳۶ شهرستان کازرون در استان پارس هستم. از سال ها پیش از انقلاب بهمن ۵۷ در برون مرز از جمله دوبی، مادرید اسپانیا و سیدنی استرالیا به سر می‌برم. دبستان را در ایران، دبیرستان را در دوبی و پس از آن در رشته هنر، معماری و شهرسازی از دانشگاه‌های مادرید اسپانیا و سیدنی استرالیا دانش آموخته ام. گفتگو درباره داشته‌های فرهنگی و برجا مانده‌های کهن معماری چشم را بر گذشته و خیلی چیزهای دیگرِ فرهنگی و حتا سیاسی باز می کند. برای نمونه در میدان نقش جهان اصفهان ساختمان مسجد بی همتای شیخ لطف الله، کتابی برای کسانی است که نمی‌دانند ملت ایران با ملت لبنان در بعلبک ریشه در چه گذشته‌ای داشته‌اند. سعدی شیرازی که در حلب او را به کار گِل بداشتند برای نزدیکی فرهنگی مردم غرب آسیا بوده که به آن‌جا سفر کرده است. بنابراین یک ساختمان و برجا مانده کهن نیز پیشینه ریشه فرهنگی ملت‌ها را آشکار می کند. همان‌گونه که دژ الموت پیوند شناسنامه اسماعیلیان سوریه را نشان می‌دهد. سنگ‌تراشان سی و سه پل رابطه و نزدیکی مردم ارمنستان با مردم ایران و دودمان آذری صفوی و در افتادن امپراتوری عثمانی با آن کینه های دیرینه را می شکافد. در کشور یمن، یاقوت حموی در معجم البلدان از برجا مانده‌های نیایشگاه زهره (ناهید) می‌گوید و چیزهایی که در آن کشور حکایت از تنیده شدن فرهنگی ما با ملت یمن است. همه این‌ها با خواندن و آموختن از تاریخ است که می تواند دلسوزی دروغین برخی شیادان سیاسی را آشکار کند. در روزگار کهن و همچنین روزگار کنونی، یک ساختمان و معماری آن نماد فر و شکوه یک ملت یا دودمان بوده و هنوز هم هست. باید دانش آموز و دانشجو و حتا مردم کوچه و بازار را به هر گونه‌ای به خواندن تاریخ فراخواند. چرا که گفته اند: «ملتی که تاریخ خود را نداند، محکوم به تکرار آن خواهد بود».

**- چند سال است که به نویسندگی سرگرم هستید؟**

- نویسندگی را از نوجوانی آغاز کرده ام. من از کودکی رویا پرور بودم. به همه چیز می‌اندیشیدم و آن‌چنان در رویا فرو می رفتم که صدای مادر را نیز برای رفتن پای سفره نمی‌شنیدم. بسیار ناآرام و پر جنب و جوش بودم. به گونه‌ای که خانواده به ویژه مادرم دلواپس بود و دعانویس‌ها حسابی راه خانه ما را پیدا کرده بودند. همیشه به دلیل ناآرامی بند سبز و دعا به بازویم بسته بودند. امروز که به روزگار گذشته می‌نگرم بر این باورم که همان فراز و فرودهای روزگار کودکی بی‌گمان در زندگی من تاثیر داشته و ناخودآگاه طغیان برای قلم به دست گرفتن بوده است. نخستین کتاب رمان سبک «کلاسیک» خود را در سنِ ۱۹ سالگی نوشتم. کش و قوس در نوشتن آن رمانِ روستایی که نام یک روستا به نام «بورکی» بر خود داشت و پس از آن کلنجار برای چاپ آن خیلی چیزها را به من آموخت. بنابراین در پاسخ به پرسش شما باید بگویم از نوجوانی دست به کار نوشتن شده ام.



**- نام کتاب‌ها و مقالاتی که تاکنون به رشته نگارش درآورده اید چیست.**

- نوشتار و مقالات بسیاری از جمله فرهنگی، ادبی و حتا سیاسی در رسانه‌های پارسی برون و درون مرز دارم که به گمانم شمارشان به صدها مطلب و گفتار می‌رسد. من همیشه به دلیل شیوه زندگی و کوچروی نوشتاری در روزنامه‌ها، هفته‌نامه و ماهنامه‌های شهری، استانی و رسانه‌های درون و برون مرز به چاپ رسانده‌ام. در گذشته نوشتار در رسانه‌های چاپی از جمله روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه یا فصلنامه بود اما اکنون بیشتر رسانه‌های چاپی پایگاه و به قولی «سایت» اینترنتی هم دارند و نوشتار را بازتاب می دهند. همیشه تلاش کرده‌ام در رسانه‌ها و همچنین در کتاب‌هایم از قلمبه‌گویی پرهیز شود. بر این باورم که می بایست به هرگونه ای که هست جوانان را به خواندن علاقمند کرد. خیلی از کتاب‌ها به سادگی توانسته دلگرمی و اشتهای خواندن کتاب را در جوانان برانگیزد. تجربه نشان می‌دهد که بیشتر آدم‌هایی که به قولی خوره کتاب شده اند، خواندن را با نوشتار ساده آغاز کرده‌اند. در گذشته به یاد دارم ما نوجوانان آن روزگار هر ماه چشم به راه رسیدن کیهان بچه‌ها و ماهنامه‌هایی از آن دست بودیم. اما امروز به میمنت الکترونیک فضای نوشتاری گسترده‌تر از پیش است.

به گمان من باید راه کتاب‌خوانی را به نوجوان و جوان آموخت. بیشتر از خواننده، نویسنده است که باید در این باره تلاش کند. من گاهی با خود اندیشیده‌ام که دلیل کتاب گریزی در جامعه شاید بتواند تاثیر منفی کار نویسندگان قلمبه نویس باشد. بنابراین در شاهراه‌های نوشتاری می‌بایست مطالعه روزانه نوجوانان و جوانان را بالا برد. به گمان من رسانه‌های نوشتاری، سیمایی و گفتاری دولت می بایست این کار را انجام دهند. کتاب‌هایی که من تاکنون به چاپ رسانده‌ام نخستین آن رمان کلاسیک روستایی «بورکی» بود. پس از آن یک کتاب نمایشنامه به نام « ناوگانی از قایق‌ها» نوشتم. کتاب داستان «پشت یک چکه اشک»، مجموعه داستان‌های کوتاه «توفان باربادوس» همگی از کارهای روزگار پله‌های نخست جوانی من هستند. کتابی در ۷۵۰ صفحه به زبان انگلیسی نوشته‌ام که سرچشمه ای برای آشنایی دانشجویان انگلیسی زبان به هنر و معماری و تاریخ روزگار دودمان صفوی است. کتاب خاطرات اجتماعی و سیاسی خود و دوستان مدرسه ایرانی در دوبی را با نام «فانوس درون برج بندر» به چاپ رساندم که بنا به نوشته خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران بوده و دارای بُرش‌های ارج و ارزش‌دار است. کتاب دیگری با نام «کنارتخته و میراث تنگ جیز ساسانیان در دشت خشت کازرون» نوشتم که برای نخستین بار از یک تنگه باستانی گفتگو به میان آورده و تا پیش از آن هیچ نویسنده یا پیشینه‌نگاری از تنگ جیز دشت خشت چیزی ننوشته است. در این کتاب گفتگو از برجا مانده‌هایی است که همچون تنگ چوگان کازرون از ارج و ارزش برخوردار می باشد. کتاب دیگر من «بافت کهن دهدشت شهر راهبردی سپاه صفوی» است که ابن بلخی در سده پنجم هجری آن را «بلاد شاپور» (شهر شاپور) نامید. درباره بافت کهن دهدشت من نه تنها کتاب بلکه مستندی نیز ساختم که دوستان دانشجو را وادار به کنکاش در باره شهر و دیارِ کهگیلویه و بویر احمد کرد.

کتاب دیگر من «جرز و آوارهای طلایی» نیز در باره برجا مانده های باستانی در استان‌های گوناگون کشور است که این کتاب نیز می‌تواند همچون کتاب‌های دیگر به صنعت گردشگری کمک کند. کتاب «کاخ‌ها و باغ های شاه عباس یکم در مازندران» نیز که رسانه‌های استانی و کشوری از چاپ آن استقبال کردند نیز چندی پیش به چاپ رسید. کتاب «معماری صفوی قزوین تختگاه شاه طهماسب یکم» نیز همان گونه که از نامش پیداست در باره تاریخ دودمان صفوی و برجا مانده های ساختمانی شاه طهماسب یکم در شهر قزوین است.

**- دلیل نوشتن و انگیزه چاپ آثار خود در ایران را نیز بفرمایید.**

- نخستین دلیل آن عشق به زادگاه است. جایی که بر جهان چشم گشوده ام و تا زنده ام به آن افتخار می کنم. باید بگویم چاپ کتاب در ایران برای این است چون همان‌گونه که می‌دانیم پس از مرگ، شناسنامه هر کسی باطل می‌شود. اما کتاب و رد پای کار برجا می‌ماند. بنابراین کتاب هر نویسنده در هر رشته ازجمله علمی، پزشکی، پژوهشی، فرهنگی و ادبی شناسنامه جاودان او خواهد بود. به ویژه برای نویسندگانی که به کار خود عشق می ورزند. یک نویسنده شاید با شهروند دیگر دارای یک اندیشه همگون نباشد اما در یک چیز همه با هم همگون بوده و حس مالکیت دارند و آن زادبوم است. اگر بجز این بود باید به آشفتگی اندیشه شک داشت.

**- آیا تا کنون به این اندیشیده‌اید که برای نوشتن و نویسندگی در دانشگاه و مراکز آموزشی دیار خود تدریس داشته باشید؟**

- پیش از این خیلی علاقمند بودم اما چون به دوران پس از میانسالی پا نهاده‌ام ترجیح می‌دهم با نوشتن تا آن‌جایی که در توان است و فرصت زندگی باشد کار تدریس را جبران کنم.

منبع: موسسه فرهنگی جستارنامه هنر





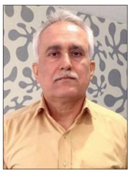
صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۹۰۰
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com


# راه مبارزه با فساد، از مسیر آزادی بیان می‌گذرد

**دکتر امان الله شجاعی**



بازرسی کل کشور با ارسال عمومی یک درگاه اینترنتی و مخاطب قراردادن همهٔ آحاد ملت، از همگان خواسته است که در مورد هرگونه فسادی با شمارهٔ مشخصی تماس گرفته و اطلاع رسانی نمایند.

ضمن تشکر ویژه از همهٔ مسوولین ذیربط که پیگیر این موارد هستند، پیشنهاد می‌شود که برای به ثمرنشستن این مهم و نهادینه شدن رفتارهای درست، به جای فساد ساختاری کنونی، به همه ی خبرنگاران و نویسندگان و هفته نامه‌ها و روزنامه‌ها اطمینان تامین دهند تا آن‌ها نیز، بدون ترس از پیگیری قضایی، همراه و هم گام آحاد مردم، با اختصاص قسمتی از صفحات هر جریده، این مسوولیت مهم را به عهده گرفته و اقدام نمایند.



پرواضح است که بدون آزادی مطبوعات و آزادی قلم و بیان، هیچ مفسده ای برملا نخواهد شد و این موضوع نیز، به دست فراموشی سپرده و بی‌نتیجه خواهد ماند.

و نیز لازم به تاکید است که راه مبارزهٔ با فساد، از مسیر آزادی بیان می گذرد.

# حل چالش کنسرت‌های لیان در کشور، بجز بوشهر!

در سال‌های گذشته عادت کرده بودیم که کنسرت‌های موسیقی گاهی در نقاط مختلف کشور لغو شوند. شنیدن و دیدن این اخبار خیلی باعث تعجب نبود؛ چرا که در برخی شهرها و استان‌های کشور، برخی از مسئولان با نظرهای شخصی و گاهی با غرض‌ورزی، برگزاری کنسرت‌ها را لغو می کردند.

در یک سال گذشته اما ماجرا کاملا متفاوت بود. همه ما به یاد داریم که کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان لغو شد. اما مسئولان وزارت فرهنگ و در صدر آن‌ها امیرحسین سمیعی مدیرکل دفتر موسیقی پای کار آمدند تا بالاخره قانون را حاکم کنند. نتیجه هم برگزاری کنسرت قربانی در اصفهان بود.

پس از ماجرای کنسرت قربانی در اصفهان، ماجراهای بسیار دیگری هم به وجود آمد که هرکدام‌شان چالشی جدی برای وزارت فرهنگ بود. چالش‌هایی که در هر کدام‌شان، مدیران وزارت فرهنگ با دست پر از مجوزهای‌شان دفاع می کردند. آن‌ها پای کار آمدند و از مجوزهای‌شان دفاع کردند تا در یک سال گذشته، کمترین خبر مربوط به لغو کنسرت‌ها را شاهد باشیم.

در روزهای گذشته هم مشکل مشابهی برای گروه لیان به سرپرستی محسن شریفیان پیش آمد. لیان از ابتدای نیمه دوم سال جاری، اجراهایش را در تهران آغاز کرد. سپس یک تور کنسرتِ خارج از کشور داشت و در ادامه می‌خواست در شهرستان‌ها به صحنه برود که مشکل درست از همین‌جا آغاز شد.

برخی از شهرها به لیان مجوزِ اجرا نمی‌دادند. برخی از اجراها هم تا آستانه‌ی لغو شدَن رفت. فراموش نکنیم که گروه لیان حتی در تهران هم امکان برگزاری کنسرت نداشت. علت آن هم حاشیه‌هایی بود که برای کنسرت این گروه در سال ۱۴۰۲ در تالار وحدت به وجود آمد. یکی از نزدیکان گروه لیان به خبرنگار تسنیم گفته



است که پس از ماجراهایی که برای گروه لیان در تالار وحدت رخ داد، حتی سالن‌های شهر تهران هم حاضر به میزبانی از کنسرت‌های لیان نبودند تا این‌که بالاخره آقای سمیعی مدیرکل دفتر موسیقی خودش شخصا ورود کرد و با رایزنی با سالن‌ها شرایط برگزاری کنسرت لیان در تهران را فراهم کرد.

بررسی‌های خبرنگار تسنیم نشان می‌دهد که در همین هفته‌های گذشته هم کنسرت لیان در برخی از شهرها در آستانه لغو شدن بود؛ چرا که مسئولان استانی برای برگزاری این کنسرت‌ها چندان همکاری نمی کردند. برگزاری کنسرت لیان در شهرهای شیراز، تبریز، رشت و اصفهان با چالش‌ها و موانع جدی همراه بود که بالاخره همه این موانع با پیگیری‌های امیرحسین سمیعی – مدیرکل دفتر موسیقی حل و فصل شد.

شاید به جرات بتوان گفت که اگر ورود به موقع این مسئول وزارت فرهنگ نبود، در همین یک ماه گذشته با چند خبرِ لغو کنسرت‌ها در شهرهای مختلف مواجه بودیم. حلَ شدن این مشکلات و عدم لغو کنسرت‌های مجوزدار، موجب کاهش چشمگیر هزینه‌های لغو کنسرت‌ها برای کشور می‌شود./ تسنیم

### بوشهر، استانی که همچنان در انتظار عدالت اجتماعی و اقتصادی است

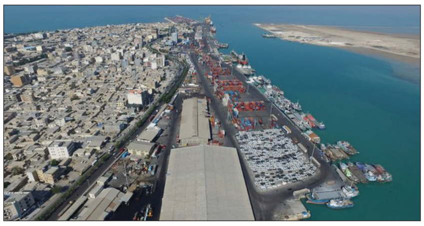
# وقت آن رسیده که نگاه ملی به بوشهر تغییر کند

**ولید صفری**



بوشهر، استانی سرشار از منابع طبیعی و استراتژیک، همچنان در تضاد آشکار با ثروت‌های انباشته‌شده‌ای است که سهم واقعی مردم این دیار را محقق نکرده است. استانی که در دل خود منابع عظیمی از گاز، نفت، دریا و شیلات دارد، اما زندگی اجتماعی و اقتصادی مردمانش تصویر دیگری را به نمایش می‌گذارد. این تضاد عمیق میان ثروت‌های طبیعی و وضعیت معیشتی مردم، به یکی از بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی بوشهر تبدیل شده است. سرمایه‌ای که باید زیرساخت‌های توسعه، رفاه اجتماعی، و ارتقای سطح زندگی را برای مردمان این استان به همراه داشته باشد، سال‌هاست که به نقاط دیگر کشور سرازیر شده و بوشهر را در مسیر توسعه‌ای نابرابر قرار داده است.

آیا شایسته است که مردمانی که در گرمای سوزان این دیار زیسته و به امید آینده‌ای بهتر، سال‌ها ایستادگی کرده‌اند، هنوز از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی و اقتصادی محروم بمانند؟ مردمی که تاریخ‌شان سرشار از مقاومت، تولید و تلاش بوده است، سزاوارند از رفاه، عدالت اجتماعی و برخورداری از ثمرات منابعی که از دل خاک و آب این سرزمین برمی‌خیزد، بهره‌مند شوند.



وقت آن رسیده که نگاه ملی به بوشهر تغییر کند. توسعه پایدار و عادلانه این استان نیازمند سیاست‌گذاری‌هایی است که بر اساس عدالت اجتماعی، توزیع متوازن منابع و توجه ویژه به نیازها و ظرفیت‌های بومی این منطقه شکل گیرد. از مسئولان انتظار می‌رود که در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود، بوشهر را نه به‌عنوان تأمین‌کننده صرف منابع کشور، بلکه به‌عنوان قلب تپنده‌ای از فرهنگ، اقتصاد و اجتماع ایران ببینند. مردم بوشهر، مردمانی بزرگ، پرتلاش و شریف‌اند که حقشان بسیار فراتر از وضعیت کنونی است. آن‌ها شایسته بهترین‌ها هستند و این حق مسلم آن‌هاست که در کنار برخورداری از منابع طبیعی، از فرصت‌های برابر در آموزش، اشتغال و رفاه اجتماعی بهره‌مند شوند.

این صدا باید به گوش همه برسد: بوشهر، برای توسعه عادلانه و پایدار، نیازمند توجه و اقدام است.